

سخاوت در بخشش

علامه طهرانی نقل می‌کنند: مرحوم حداد چون به نیامندی می‌رسیدند، دست در جیب می‌کردند و هر چه می‌آمد می‌دادند و گاهی هم هر چه بود می‌دادند. هیچ‌گاه ندیدیم که پول را بشمارند و بعد بدهند! یک‌بار به یکی از همسایگان که خامه فروش بود گفتند چرا ازدواج نمی‌کنی؟ گفت: پول ندارم، ۶۵۰ دینار نیاز دارم برای ازدواج.

فردای آن روز ایشان ۶۵۰ دینار برای او می‌برند و او ازدواج می‌کند. این در حالی بود که خود ایشان تنگ‌دست بودند. هیچ‌گاه دیده نشد که منتظر پول خرد الباقی خریده‌ها بمانند. می‌فرمودند: لنگ این چیزها نمانید و اگر سه دینار و خرده‌ای جنس خریدید و چهار دینار دادید، منتظر نمانید و مردم را به‌زحمت نیندازید و بروید! هیچ‌گاه ندیدم پول بشمرند و بعد ببخشند و درجا می‌بخشیدند.

کبوترها، عاشق حداد!

سید عبدالامیر حداد نقل می‌کند هرروز کبوترهای حرم امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) به پشت‌بام ما می‌آمدند و می‌نشستند و جناب سیدهاشم حداد با دستان خودشان به آن‌ها آب و دانه می‌دادند.

بعد از رحلت ایشان هر چه به بام رفتم و دانه ریختم دیگر نیامدند!

واحد فرهنگی و هنری کانون بقية...
مسجد صاحب‌الزمان (عج) رضی‌آبادپایین

liveformahdi.com

Telegram.me/liveformahdi

Instagram.com/liveformahdi

مشکات

مؤکب صاحب‌الزمان
تاس ۱۳۴۶ هجری قمری بهشت نبوی

مهربان من

عزیزترین انسان زندگی من، کجا بید آقا جان؟
کاش می‌شد که لااقل من شمارا به گریه نیندازم

من شما رو اذیت نکنم

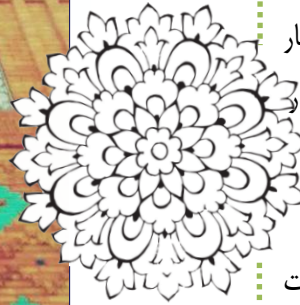
عذاب من به خاطره این است

تو از گریه برای حسین ابن علی بزنی

و برای نجاستی گریه کنی

ببخشید اشتباه شد، می‌گویند خون گریه می‌کنی

ببخشید ولی آرزوی مرگ جایز نیست؟



چرا شیطان با اینکه محضر خدا را درک کرده بود از فرمان الهی

سجده بر انسان ، اطاعت نکرد؟

* منشأ تمرد و طغیان و سرکشی از فرمان خداوند همیشه، جهل و عدم معرفت نسبت به خداوند یا قدرت و جایگاه او نیست.

اگر جهل و عدم معرفت منشأ تمرد باشد، چندان مشکلی ندارد و متمرّد تا حدودی معذور تلقی می‌شود، ولی برخی تمردها با آگاهی و معرفت صورت می‌گیرد.

* این نوع تمرد بسیار خطرناک و مهلک است. تمرد شیطان از این نوع تمرد بوده است.

از همین رو برای ابد از رحمت خدا دور و به لعن الهی گرفتار شد.

چنان که بسیاری از مردم باوجود دانستن زشتی دروغ بازهم دروغ می‌گویند. با علم به ارزش راستی از آن اجتناب می‌کنند. پس علم تنها کافی نیست.

* بر اساس آنچه در قرآن و روایات آمده، سبب تمرد شیطان تکبر و خودبزرگ‌بینی اوست. از این رو در قرآن در این باره فرمود:

۲ « همه ملائکه سجده کردند. مگر ابلیس که خودداری نموده و کبر ورزید». بقره آیه ۳۴

* امیر مؤمنان (ع) به تفصیل درباره تکبر شیطان و این که عامل رانده شدن او از درگاه خداوند، تکبر او بوده است، سخن گفته، از جمله فرمود: «و نازع الله رداء الجبریه و ادرع

لباس التعزز و خلع قناع التذلل الا ترون کیف صغره الله بتکبره...؛ نهج البلاغه خطبه ۱۹۲

بر لباس کبربایی و عظمت باخدا درافتاد، لباس بزرگی را بر تن پوشید. پوشش تواضع و فروتنی را از تن درآورد. آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خودبزرگ‌بینی او را کوچک ساخت؟

جهت بلندپروازی او را پست و خوار گردانید؟

* پس منشأ طغیان ابلیس رذیله نفسانی تکبر و خودبزرگ‌بینی بود که او را علی‌رغم علم به همه حقایقی که برشمردیم، باز به مخالفت واداشت.

ویژگی‌های شخصیتی دین‌داران و دین‌گریزان قسمت ۲

هرکس شخصیت خوبی داشت، دیر یا زود به سراغ دین می‌آید!

اما هرکس دین‌دار شد، دلیل نمی‌شود که شخصیت درستی دارد.

* بعضی‌ها وقتی دین غلبه و قدرت پیدا می‌کند، دین‌دار می‌شوند؛

نه از سرِ صدق و صفای باطن خود؛ این‌ها شخصیت درستی ندارند.

* همه افراد از سرِ صدق نیت و صفای باطن، دین‌دار نمی‌شوند؛

بعضی‌ها هستند که به امور دیگری طمع دارند. بعضی‌ها وقتی دین غلبه و حاکمیت پیدا می‌کند، به دین جذب می‌شوند؛ یعنی قدرت دین آن‌ها را جذب می‌کند.

* الآن در زمانی هستیم که اسلام و مؤمنین - به‌ویژه مریدان اهل بیت (ع) - قدرت گرفته‌اند و معنویت بازار پیدا کرده، طبیعی است که برخی که واقعاً اهل این حرف‌ها نیستند، به

عرصه بیایند.

بعضی از این‌ها اصلاح نخواهند شد و قبل از ظهور در غربال‌ها قلع‌وقمع خواهند شد؛

و ما الآن در چنین ایامی هستیم.

* کسی که شخصیت خوبی داشته باشد، حتماً سراغ دین می‌آید؛ دیر یا زود!

اما هرکسی دین‌دار شود، دلیل بر این نیست که شخصیت درستی دارد.

اگر کسی ویژگی‌های شخصیتی بدی داشته باشد و به دلیل غلطی وارد دین شده باشد، به پرهانه اندکی از دین خارج خواهد شد.

بعضی از این‌ها ترسو هستند، بعضی‌ها شخصیت «همرنگ جماعت شدن» دارند،

بعضی‌ها آدم‌های منفعت‌طلبی هستند،

بعضی‌ها به شدت شخصیت غیرمستقل و تکیه‌کننده‌ای دارند.

چنین افرادی در اطراف حسین (ع) هم کم نبودند اما حضرت مرحله‌به‌مرحله خالص‌سازی کردند تا به عاشورا رسیدند.

یک سال در به در ماجرای سوریه بود

می گفت: حرم فقط برای ما نیست،

ما مدافعان حریم انقلاب اسلامی

هستیم.



دوست و همراه شهید اسداللهی از ماجرای سوریه رفتن او و شرکت در عملیات‌های مستشاری می‌گوید و ادامه می‌دهد: یک سال در به در ماجرای سوریه بود. خیلی دوست داشت که به سوریه بروم. تمام فکر و ذکرش آنجا بود. شهید هادی ذوالفقاری که در سامرا به شهادت رسید از بچه‌های پایگاه بسیج ما بود، وقتی شهید شد به دلیل اینکه من کمی طراحی بلد، حمید به من گفت: «یک طراحی برای شهید بزن.» من طراحی کردم و نوشتم "مدافعان حرم". به من گفت: «همچین چیزی را خط بزن. حرم فقط برای ما نیست. ما باید درباره حریم انقلاب اسلامی حرف بزنیم.» و همیشه این شعار را می‌داد و می‌گفت: «مدافعان حریم انقلاب اسلامی» وقتی توضیح می‌داد و مثال می‌زد می‌گفت: «مثلاً الان در یمن که حرمی نداریم و حضرت زینبی(س) در آنجا نیست یا الان در نیجریه، اگر اتفاقی برای بچه شیعه‌ها بیفتد، نباید دفاعی بکنیم؟ پس ما مدافعین حریم انقلاب اسلامی هستیم.» طرز فکرش خیلی بالا و دیدش خیلی وسیع بود.

در مورد نحوه شهادتش شنیده‌ها حکایت از تیر خوردن دارد. فقط یک نقطه کوچک زیر گلویش دیده می‌شود که می‌گویند تیر خورده و همان تیر هم او را به شهادت رسانده است. الحمدا... یک شباهتی هم که به اربابش امام حسین(ع) بعد از شهادت داشت این بود که سه روز و سه شب بدنش بعد از شهادت روی زمین افتاده بود. منطقه‌ای که پیکر حمیدرضا در آن بود، دست داعش افتاده بود که الحمدا... عملیات کردند و توانستند منطقه را آزاد کنند و شهدا را برگردانند.

شهادت ۹۴/۹/۲۹ حلب سوریه

آخرین دیدار عمومی حضرت

آخرین دیدار عمومی حضرت مهدی(ع) با شیعیان، روز هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری بوده است که در مراسم تشییع جنازه پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری(ع) ظاهر شد و بر جنازه پدرش نماز خواند و سپس غایب شد. این دیدار در سامرا و در خانه پدرش امام حسن عسکری(ع) انجام یافت. از آن زمان تاکنون، دیگر ملاقات رسمی و عمومی میان آن حضرت و دیگران به وقوع نپیوسته است.

روزگار رهایی، ج ۱، ص ۲۸۷

دل نوشته

اگر بار آخری باشد که بتوانی امام زمانت را ببینی، می‌توان بعدش زنده ماند؟ امام قرار بود از نظرها غائب شوند، اما کسی نمی‌دانست. همه فکر می‌کردند که فردا هم امامشان هست اما امام با دید آخرین ملاقات، به شیعیانشان می‌نگریستند.

معنای دعای اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر وجعلنا من خیر

اعوانه وانصاره والمستشهرین بین یدیه چیست؟

این دعا را با این ترکیب نیافتیم جملات این دعا به صورت جداگانه همان‌گونه که ذیلاً آورده‌ایم در دعا‌های که در رابطه با امام زمان نقل شده آمده است این دو دعا از امام صادق(ع) نقل شده است در دعای اول امام صادق(ع) دستور به خواندن دعایی داده‌اند در تعقیب نماز که در آن تعجیل در فرج ولی خداوند همراه با عافیت و پیروزی از خداوند درخواست شده و سخنی از امام زمان به میان نیامده ولی خدا که در این دعا برای او درخواست فرج شده است می‌تواند بر هر یک از ائمه صادق باشد در دعای دوم امام صادق می‌فرماید هر کس می‌خواهد قائم ما را درک کند این دعا را بخواند.

مصباح‌المتهجد ص ۵۸

وَ عَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ

بحارالانوار ج ۵۳، ص ۹۶

الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

آثار انتظار

کسی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد در واقع، انتظار انقلاب و تحولی را دارد که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است؛ انقلابی که همه شئون زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. انتظار، همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می‌شود، یعنی ناراحتی از وضع موجود و عشق و علاقه به وضعیت بهتر. پس کسانی که در انتظارند، اگر در ادعای خود صادق باشند، باید این آثار در آن‌ها آشکار شود:

۱. خودسازی فردی: منتظر، همیشه باید خودساخته و آماده باشد. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب عظیمی، مردان بزرگ، مصمم، نیرومند، خودساخته، شکست‌ناپذیر و دارای بینش عمیق لازم است. خودسازی برای چنین هدفی، مستلزم به کار بستن برنامه‌های اجتماعی، فکری و اخلاقی است.

۲. خودسازی اجتماعی: منتظر، علاوه بر خودسازی خویش، باید مراقب حال دیگران نیز باشد و علاوه بر اصلاح خویش، بر اصلاح دیگران و جامعه خود نیز بکوشد. در میدان مبارزه، هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه‌ضعفی را که در هر کجا می‌بیند، اصلاح کند و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید.

۳. حل نشدن در فساد محیط: یکی از آثار انتظار، عدم تسلیم در برابر آلودگی‌های جامعه است. هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و بیشتر مردم را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن‌بست روانی قرار می‌گیرند، و از اصلاحات، مأیوس می‌شوند و فکر می‌کنند کار از کار گذشته است و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، این نومی‌ممکن است آنان را به صورت تدریجی به فساد و همرنگی با محیط بکشاند. تنها چیزی که می‌تواند در آن‌ها روح امید بدمد و به مقاومت و خویش‌ن‌داری دعوت کند، امید به اصلاح نهایی و ظهور مصلح جهانی است.

۴. پایداری در برابر رهبری‌های فاسد و مبارزه با فساد: هر کس سرگذشت دستگاه‌های جبار بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ماوراءالنهر، ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا، آفریقا و اروپا مسلط شدند بخواند، می‌فهمد که چه وضع ناامیدکننده‌ای پیش آمد که هدف‌های واقعی و اصولی اسلام، بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود. تنها چیزی که مسلمانان در برابر این وضعیت نگاه داشت و آن‌ها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی دلیر می‌کرد، وعده‌های قرآن و پیامبر(ص) بود که: این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است. این وعده‌ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مانند تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز مغول و سرانجام، استعمار قرن اخیر پایدار نگه داشت و مسلمانان علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت. بنابراین مسلمانان، تسلیم ظلم و فساد نمی‌شوند و با ستمگران و مفسدان همراه و هم‌صدا نخواهد شد.^[۱]

البته آثار انتظار، منحصر به این چهار اثر نیست. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب «انقلاب جهانی مهدی» اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، مبحث انتظار مراجعه نمایید.

۱. سیمای آفتاب، حبیب‌الله طاهری، صفحه ۲۱۱.

